

This book is a Persian translation of
 Societism: A Very Short Introduction
 by Michael Newman
 Oxford, Oxford University Press, 2005
 Translated by Hamid Reza Mavsiyehi
 Agah Publishing House, Tehran, 2019

مایکل نیومن

سوسیالیسم

درآمدی کوتاه

ترجمه‌ی

حمیدرضا مصیبی

سوسیالیسم...
 درآمدی کوتاه...
 ترجمه‌ی حمیدرضا مصیبی...
 انتشارات آگاه...
 تهران، ۱۳۹۸



مخبران آگاه
 و سایر مسئولان
 آگاه پبلشرز
 تهران، آذربایجان
 تلفن: ۰۲۱ ۸۷۶۳۷۲۸
 فکس: ۰۲۱ ۸۷۶۳۷۲۷
 آدرس: تهران، خیابان آذربایجان، پلاک ۱۴۰
 وبسایت: www.agahpublishing.com



آگاه پبلشرز
 تهران، آذربایجان
 تلفن: ۰۲۱ ۸۷۶۳۷۲۸
 فکس: ۰۲۱ ۸۷۶۳۷۲۷
 آدرس: تهران، خیابان آذربایجان، پلاک ۱۴۰
 وبسایت: www.agahpublishing.com

نشان ملی ایران

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	۱ سنت‌های سوسیالیستی
۵۵	۲ کمونیسم کوبایی و سوسیال‌دموکراسی سوئدی
۹۷	۳ چپ‌های نو - تقویت و واپاشی
۱۳۳	۴ سوسیالیسم امروز و فردا
۱۷۳	برای مطالعه‌ی بیش‌تر

مقدمه

در سال ۱۸۶۷ کارل مارکس جلد اول اثر تاریخی اش سرمایه را با لحنی فیروزمندانه به پایان رساند. او ادعا کرد به نقطه‌ای می‌رسیم که نظام سرمایه‌داری از هم می‌پاشد و در این مرحله:

ناقوس عزای مالکیت خصوصی سرمایه‌دارانه به صدا درمی‌آید. از خلع‌یدکنندگان خلع‌ید می‌شود.

به مدت بیش‌تر از ۱۰۰ سال خیلی از سوسیالیست‌ها باور داشتند، و خیلی از مخالفان آن‌ها نیز هراس داشتند، که حق با مارکس بوده: سرمایه‌داری محکوم به نابودی است و سوسیالیسم جایگزین آن می‌شود. چقدر شرایط عوض شده! در سال‌های اخیر و به‌خصوص بعد از فروپاشی بلوک شرق بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱، چرخشی ۱۸۰ درجه رخ داده است. اکنون این سرمایه‌داری است که فیروزمند است و سوسیالیسم به‌سان بازمانده‌ای تاریخی نگریسته می‌شود که احتمالاً در طول قرن جاری منقرض خواهد شد. من با این عقیده موافق نیستم. و فصل آخر این کتاب به دنبال نشان‌دادن تداوم و اهمیت سوسیالیسم در عصر حاضر است. اما خواه خواننده با این نتیجه‌گیری موافقت کند و خواه نه، امیدوارم این کتاب دست‌کم برای قضاوت درباره‌ی سوسیالیسم تصویری روشن و واضح فراهم آورد یا باب گفت‌وگویی باز کند.

سؤال اول و اساسی این است: سوسیالیسم چیست؟ کسانی که از سوسیالیسم دفاع می‌کنند و نیز کسانی که به آن حمله می‌کنند اغلب معنای آن را بدیهی می‌پندارند. بدین ترتیب، مخالفان تمام اشکال سوسیالیسم مشتاقانند تا کل ایده‌ی سوسیالیسم را با زنده‌ترین اشکال آن - به‌خصوص دیکتاتوری استالینی در اتحاد شوروی از اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۳ - یک‌سان بگیرند. و این‌گونه آن را رد کنند. هم‌چنین، مدافعان آن اغلب می‌کوشند تا سوسیالیسم را با آن نوع خاص محبوب خودشان یکی بگیرند. از این‌رو، زمانی لنین سوسیالیسم را این‌گونه تعریف کرد: «قدرت شوراها به‌اضافه‌ی برق‌رسانی به سراسر کشور». درحالی‌که هربرت مورسون، سیاست‌مدار بریتانیایی، معتقد بود که سوسیالیسم هر آن چیزی است که یک دولت کارگری انجام می‌دهد. تاکنون سوسیالیسم اشکال بسیار متنوعی به خود گرفته است و نمی‌توان آن را این‌گونه محدود و تعریف کرد. در واقع، برخی آن را، در درجه‌ی اول، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نظریه‌ها در نظر می‌گیرند و انکار می‌کنند که سیاست‌های حکومت‌ها یا احزاب سیاسی اهمیتی در سنجش و ارزیابی آموزه‌ی سوسیالیسم داشته باشد. این تنزه‌طلبی افراطی در نقطه‌ی مقابل دیدگاه لنین و مورسون قرار می‌گیرد و به همان اندازه بی‌فایده است. درحقیقت سوسیالیسم هم مرکزگرا بوده است و هم محلی‌نگر؛ هم از بالا برنامه‌ریزی شده و هم از پایین ساخته شده؛ هم نظرورزانه بوده و هم عمل‌گرایانه؛ هم انقلابی و هم اصلاح‌طلب؛ هم ضد دولت و هم دولت‌گرا؛ هم انترناسیونال و بین‌الملل‌گرا و هم ملی‌گرا؛ هم از احزاب سیاسی استفاده کرده و هم از آن‌ها اجتناب کرده؛ هم نتیجه‌ی اتحادیه‌گرایی است و هم از آن مستقل است؛ هم خصیصه‌ی کشورهای صنعتی ثروت‌مند است و هم خصیصه‌ی جوامع دهقانی فقیر؛ هم اعمال‌کننده‌ی تبعیض جنسیتی، هم طرف‌دار حقوق زنان؛ هم متعهد به رشد مدام و هم متعهد به حفاظت از محیط‌زیست.

یک روش بحث‌کردن درباره‌ی چنین پدیده‌ی متضاد و متغیری این است که ادعا کنیم تمام اشکال سوسیالیسم در چند مشخصه‌ی بنیادی، یا در جوهره‌ای، اشتراک دارند که با آن می‌توان کلیت مکتب را تعریف کرد. مطمئناً در این حالت تحلیل آسان می‌شود، اما این رویکرد ذات‌گرایانه معمولاً به احکامی جزمی در

مورد طبیعت «سوسیالیسم واقعی» می‌انجامد و چماقی می‌شود برای کوبیدن بدعت‌گذاران. اگرچه، به‌دست‌دادن تعریفی گسترده و وسیع از سوسیالیسم نیز خطرات خودش را دارد و دیگر نمی‌توان تحلیلی معنادار از آن به دست داد. این کتاب می‌کوشد تا با تعاریف حداقلی سوسیالیسم، که در ادامه خواهد آمد، بر این خطرات متناقض غلبه کند.

به‌عقیده‌ی من، اساسی‌ترین مشخصه‌ی سوسیالیسم تعهد آن به ایجاد جامعه‌ای تساوی‌خواه است. ممکن است سوسیالیست‌ها در مورد حدی که می‌توان نابرابری را ریشه‌کن کرد، یا ابزار این تغییر، تفاهم نداشته باشند، اما هیچ سوسیالیستی از نابرابری رایج ثروت و قدرت دفاع نمی‌کند. به‌خصوص، سوسیالیست‌ها عقیده دارند که، در نظام سرمایه‌داری، مالکیت ارثی سرمایه و ثروت همواره امتیازات و فرصت‌های فراوانی را در یک سوی طیف جامعه فراهم می‌کند، درحالی‌که در سوی دیگر، چرخه‌ای از محرومیت همواره فرصت‌ها را محدود می‌کند. بنابراین سوسیالیست‌ها، هر یک به سهمی، روابط مالکیتی را که برای سرمایه‌داری اساسی است به چالش کشیده‌اند و رؤیای برپاداشتن جامعه‌ای را پروراندند که در آن هرکسی امکان آن را دارد که به‌دنبال خودش کوفایی باشد، بدون مواجهه با محدودیت‌هایی که در نابرابری ساختاری ریشه دارند.

دومین ویژگی عام سوسیالیسم، که خیلی با مورد اول مرتبط است، باور به امکان ساختن یک نظام بدیل تساوی‌طلب، برپایه‌ی ارزش‌های هم‌بستگی و تعاون، است. اما این نیز، به‌نوبه‌ی خود، به یک مشخصه‌ی سوم وابسته است: دید نسبتاً امیدوارانه به انسان‌ها و توانایی‌شان برای همکاری با یک‌دیگر. گستره‌ی هر دو این باورها، هم خوش‌بینی و هم ضرورت آن برای برپایی جامعه‌ی برابر، به‌طور قابل ملاحظه‌ای متغیر است. برای کسانی که به امکان تأسیس جوامع خودگردان بدون سلسله‌مراتب یا قانون ایمان دارند باور خوش‌بینانه به سرشت انسان ضروری است. برای دیگرانی که به احزاب و دولت‌های سلسله‌مراتبی علاقه دارند دامنه‌ی این خوش‌بینی محدودتر است. هم‌چنین بدون شک، در جهان پس از نازیسم و استالینیزم، خوش‌بینی برخی از متفکران قدیمی‌تر در برخورد با واقعیت ناگوار تعدیل شده است. بااین‌حال